



ضمیمه Vd: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای درباره پیوندهایی است که خدا می‌پذیرد و ترتیب آن به این صورت است:

1. ضمیمه Va: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: ازدواج‌هایی که خدا می‌پذیرد.
2. ضمیمه Vb: نامه طلاق — حقایق و افسانه‌ها.
3. ضمیمه Vc: مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا.
4. ضمیمه Vd: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه (صفحه کنونی).

ازدواج چیست، بر اساس تعریف خدا؟

از آغاز، کتب مقدس آشکار می‌سازند که ازدواج به وسیله مراسم، سوگندها یا نهادهای انسانی تعریف نمی‌شود، بلکه به لحظه‌ای تعریف می‌شود که زنی — خواه باکره باشد یا بیوه — با مردی رابطه جنسی برقرار می‌کند. این نخستین آمیزش همان چیزی است که خود خدا اتحاد دو جان را در یک تن می‌شمارد. کتاب مقدس پیوسته نشان می‌دهد که تنها از طریق همین پیوند جنسی است که زن به مرد پیوسته می‌شود، و تا هنگام مرگ او به وی بسته می‌ماند. بر همین بنیاد — که از کتاب مقدس روشن است — به پرسش‌های رایج درباره باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه می‌پردازیم و تحریف‌هایی را که به سبب فشار جامعه پدید آمده است بر ملا می‌کنیم.

در اینجا برخی از رایج‌ترین پرسش‌ها درباره آنچه کتاب مقدس واقعاً درباره ازدواج، زنا و طلاق تعلیم می‌دهد گردآوری شده است. هدف ما بر پایه کتاب مقدس، روشن کردن برداشت‌های نادرستی است که در گذر زمان رواج یافته و اغلب مستقیماً با فرامین خدا در تضاد بوده‌اند. همه پاسخ‌ها از دیدگاهی کتابی پیروی می‌کنند که سازگاری میان عهد عتیق و عهد جدید را حفظ می‌کند.

پرسش: دربارهٔ راحاب چه؟ او زن بدکاره‌ای بود، با این حال ازدواج کرد و در نسبِ عیسی است!

«هر چه در آن شهر بود، همگی را به دم شمشیر به کلی نابود کردند — هم مردان و هم زنان، خرد و کلان، نیز گاوان و گوسفندان و درازگوشان» (یوشع ۶:۲۱). راحاب بیوه بود هنگامی که به اسرائیلیان پیوست. یوشع هرگز اجازه نمی‌داد یهودی با زن غیریهودی غیرباکره ازدواج کند، مگر آن‌که او ایمان آورده و بیوه می‌بود؛ تنها در آن صورت، طبق شریعت خدا، او برای پیوند با مردی دیگر آزاد می‌شد.

پرسش: مگر عیسی برای آمرزش گناهانِ ما نیامد؟

بله، عملاً همهٔ گناهان، از جمله زنا، وقتی که جان توبه کند و به سوی عیسی بگردد آمرزیده می‌شود. اما پس از آمرزش، آن شخص باید رابطهٔ زناکارانه‌ای را که در آن است ترک کند. این در مورد همهٔ گناهان صادق است: دزد باید دزدی را رها کند، دروغ‌گو باید دروغ گفتن را ترک کند، هتاک باید هتاک را کنار بگذارد، و غیره. به همین قیاس، زناکار نمی‌تواند در رابطهٔ زناکارانه بماند و انتظار داشته باشد که گناه زنا دیگر وجود نداشته باشد.

تا زمانی که شوهر نخست زن زنده است، جان او به جان وی پیوسته است. وقتی او بمیرد، جانش نزد خدا باز می‌گردد (جامعه ۱۲:۷) و تنها آنگاه جان زن آزاد است که اگر بخواهد با جانِ مردی دیگر پیوند بخورد (رومیان ۷:۳). خدا گناهانِ آینده را نمی‌آمرزد — فقط گناهانِ بالفعل را. اگر کسی در کلیسا طلبِ آمرزش کند و آمرزیده شود، اما همان شب با کسی که طبق نظرِ خدا همسر او نیست هم‌بستر شود، دوباره مرتکبِ زنا شده است.

پرسش: مگر کتاب مقدس به تازه‌ایمان می‌گوید: «اینک همه چیز نو شد»؟ آیا این یعنی می‌توانم از صفر شروع کنم؟

خیر. آیاتی که از زندگی تازهٔ شخصِ توبه‌کار سخن می‌گویند، دربارهٔ چگونگی زیستنِ او پس از آمرزشِ گناهان است و به این معنا نیست که پیامدهای خطاهای گذشتهٔ او پاک شده است.

بله، رسول پولس در آیهٔ ۱۷ از دوم قرن‌تیا ۵ نوشت: «پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است؛ چیزهای کهنه گذشت، اینک همه چیز نو شده است» و این را نتیجهٔ سخنش در دو آیهٔ پیش‌تر (آیهٔ ۱۵) قرار داد: «و او برای همه مرد، تا آنان که زندگی می‌کنند دیگر برای خود زندگی نکنند بلکه برای او که برای ایشان مرد و برخاست.» این هیچ ربطی به این ندارد که خدا به زن اجازه دهد زندگی عاطفی خود را از صفر آغاز کند، چنان‌که بسیاری از رهبرانِ دنیوی تعلیم می‌دهند.

پرسش: مگر کتاب مقدس نمی‌گوید خدا «اعصارِ نادانی» را نادیده می‌گرفت؟

عبارت «أعصار نادانی» (اعمال ۱۷:۳۰) را پولس هنگامی گفت که از یونان می‌گذشت و با مردمی بت‌پرست سخن می‌گفت که هرگز درباره‌ی خدای اسرائیل، کتاب مقدس یا عیسی نشنیده بودند. هیچ‌یک از کسانی که این متن را می‌خوانند پیش از ایمان آوردن نسبت به این امور ناآگاه نبودند.

علاوه بر این، این بخش به توبه و آمرزش گناهان مربوط است. کلام حق اشاره هم نمی‌کند که برای گناه زنا آمرزشی نیست. مسئله این است که بسیاری فقط آمرزش زناهای انجام‌شده را نمی‌خواهند؛ بلکه می‌خواهند در رابطه‌ی زناکارانه نیز ادامه دهند – و خدا این را، چه از مرد و چه از زن، نمی‌پذیرد.

پرسش: چرا درباره‌ی مردان چیزی گفته نمی‌شود؟ مگر مردان زنا نمی‌کنند؟

چرا، مردان نیز زنا می‌کنند و کیفر آن در روزگار کتاب مقدس برای هر دو یکسان بود. اما خدا چگونه وقوع زنا را برای هر یک به‌گونه‌ای متفاوت در نظر می‌گیرد. میان باکرگی مرد و پیوند زناشویی هیچ ارتباطی وجود ندارد. این زن است نه مرد که تعیین می‌کند آیا رابطه‌ای زنا است یا نه.

بر اساس کتاب مقدس، مردی . چه متأهل و چه مجرد . هرگاه با زنی که نه باکره است و نه بیوه، رابطه برقرار کند مرتکب زنا می‌شود. برای نمونه، اگر مردی ۲۵ ساله و باکره با دختر ۲۳ ساله‌ای که باکره نیست هم‌بستر شود، آن مرد مرتکب زنا می‌شود؛ زیرا آن زن طبق نظر خدا، همسر مرد دیگری است (متی ۵:۳۲؛ رومیان ۷:۳؛ لایوان ۲۰:۱۰؛ تثنیه ۲۲:۲۲-۲۴).

باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان غیرباکره در جنگ

مرجع	دستور
اعداد ۱۸-۳۱:۱۷	همه‌ی مردان و زنان غیرباکره را نابود کنید. باکره‌ها زنده نگاه داشته شوند.
داوران ۲۱:۱۱	همه‌ی مردان و زنان غیرباکره را نابود کنید. باکره‌ها زنده نگاه داشته شوند.
تثنیه ۱۴-۲۰:۱۳	همه‌ی مردان بالغ را نابود کنید. زنان باقی‌مانده، بیوه‌ها و باکره‌ها هستند.

پرسش: پس زن مطلقه/جداشده تا وقتی شوهر سابقش زنده است نمی‌تواند ازدواج کند، اما مرد نیازی ندارد منتظر بماند تا همسر سابقش بمیرد؟

نه، نیازی ندارد. طبق شریعت خدا، مردی که به دلایل کتابی از همسرش جدا می‌شود (نگاه کنید به متی ۵:۳۲) می‌تواند با باکره یا بیوه ازدواج کند. اما واقعیت این است که امروزه در تقریباً همه‌ی موارد، مرد از همسرش جدا

می‌شود و با زن مطلقه/جداشده ازدواج می‌کند و آنگاه در زناست؛ زیرا از نظر خدا، همسر تازه او به مرد دیگری تعلق دارد.

پرسش: از آن‌جا که مرد با ازدواج با باکره‌ها یا بیوه‌ها مرتکب زنا نمی‌شود، آیا این یعنی خدا امروز چندهمسری را می‌پذیرد؟

خیر. چندهمسری در روزگار ما به سبب انجیل عیسی و کاربرد سخت‌گیرانه‌تر شریعت پدر مجاز نیست. «حرف شریعت» که از آغاز آفرینش عطا شد (*tò grámma tou nóμου – to grámma tou nóμου*) بیان می‌کند که جان زن فقط به یک مرد بسته است، اما بیان نمی‌کند که جان مرد فقط به یک زن بسته است. به همین دلیل است که در کتاب مقدس، زنا همواره به منزله گناهی علیه شوهر زن شناخته می‌شود. از این رو خدا هرگز نگفت پدرسالاران و پادشاهان زناکار بودند، چون همسرانشان هنگام ازدواج باکره یا بیوه بودند.

اما با آمدن مسیح، «روح شریعت» را به تمامی دریافت کردیم (*tò pneûma tou nóμου – to pneûma tou nóμου*). عیسی، یگانه سخنگویی که از آسمان آمد (یوحنا ۱۳:۳؛ یوحنا ۱۲:۴۸-۵۰؛ متی ۵:۱۷)، تعلیم داد که همه فرامین خدا بر محبت و خیر مخلوقاتش بنا شده است. حرف شریعت، صورت ظاهری است؛ روح شریعت، ذات و مقصود آن است.

در موضوع زنا، هرچند حرف شریعت، بودن مرد با بیش از یک زن را — به شرط آن‌که آنان باکره یا بیوه باشند — صریحاً منع نمی‌کند، روح شریعت چنین کاری را روا نمی‌دارد. چرا؟ زیرا امروز برای همه طرف‌ها رنج و آشفتگی به بار می‌آورد — و محبت به همسایه همچون خویشتن دومین فرمان بزرگ است (لاویان ۱۹:۱۸؛ متی ۲۲:۳۹). در روزگار کتاب مقدس، این امری پذیرفته و مورد انتظار فرهنگی بود؛ در روزگار ما، از هر جهت ناپذیرفتنی است.

پرسش: اگر زوج جداشده تصمیم بگیرند آشتی کنند و ازدواج را بازسازی نمایند، آیا اشکالی دارد؟

بله، زوج می‌توانند آشتی کنند، به شرط آن‌که:

1. شوهر واقعاً نخستین مرد زن بوده باشد، وگرنه حتی پیش از جدایی نیز آن ازدواج معتبر نبوده است.
2. زن در دوره جدایی با مرد دیگری هم‌بستر نشده باشد (تثنیه ۱:۲۴-۴؛ ارمیا ۳:۱).

این پاسخ‌ها تأکید می‌کند که تعلیم کتابی درباره ازدواج و زنا از آغاز تا انجام کتاب مقدس منسجم و سازگار است. با پیروی وفادارانه از آنچه خدا تعیین کرده است، از کثرفهمی‌های آموزه‌ای پرهیز می‌کنیم و قداست پیوندی را که او برقرار کرده محفوظ می‌داریم.